**باسمه تعالی**

**بحث از شمول اخبار علاجیه به عامین من وجه. 2**

**عدم شمول نظریه محقق خویی.. 2**

**مناقشه: عدم فرق نزد عرف (نظر تحقیق) 3**

**عدم شمول اخبار علاجیه به موارد جمع عرفی.. 4**

**جمع بین عام و مطلق.. 4**

**وجه نخست: تقدم منجز بر معلق.. 4**

**مناقشه: منجز بودن ظهور اطلاقی (محقق خراسانی) 5**

**وجه دوم: اغلبیت تقیید از تخصیص…. 5**

**مناقشه: دلیل نبودن اغلبیت (محقق خراسانی) 5**

**جواب: وجود وجه سوم برای تقدیم عام (نظر تحقیق) 5**

**وجه سوم: تقدم دلالت وضعی بر دلالت سکوتی (نظر تحقیق) 6**

**جمع بین مطلق شمولی و مطلق بدلی.. 6**

***موضوع:*** تعارض/مرجحات /بحث از شمول اخبار علاجیه به مطلقین من وجه

***خلاصه مباحث گذشته:***

بحث در شمول اخبار علاجیه تخییر و ترجیح به عامین من وجه بود، گذشت که در این مسأله سه نظریه عمده وجود دارد.

حاصل بحث:

1.شمول (شیخ انصاری و محقق خویی و بعضی دیگر رحمهم الله)

2.عدم شمول (محقق عراقی و محقق صدر رحمهما الله)

3.تفصیل، عدم شمول نسبت به مرجح صدوری و شمول در غیر آن (محقق نائنیی رحمه الله)

دلیل نظریه نخست اطلاقات اخبار بود و مناقشه شد که شمول اخبار نسبت مرجحات صدوریه اشکال دارد لکن نظریه درست است به خاطر تعدی از مرجحات منصوصه به غیر منصوصه.

دلیل نظریه دوم، عدم صدق موضوع «حدیثان مختلفان» در عامین من وجه بود، همانطور که موضوع در موارد جمع عرفی به روشنی صادق نیست در عامین من وجه نیز صادق نمی باشد. عامین به خاطر ماده افتراق با هم تعارض ندارند.

دلیل نظریه سوم، اولاً اشکال در محمول اخبار علاجیه بود، محقق نائینی می فرمودند تبعیض در صدور معنا ندارد، ثانیاً قصور اطلاقات اگر تبعیض در صدور هم معنا داشته باشد، اطلاقات قاصرند.

#### بحث از شمول اخبار علاجیه به عامین من وجه

در مبحث سابق بحث از شمول و عدم شمول اخبار علاجیه به عامین من وجه بود. «اکرم العلماء» و «لاتکرم الفساق» که هر دو جمع محلی به الف و لام بوده و بالوضع عام بودند در مجمع تعارض داشتند و بحث از شمول و عدم شمول اخبار علاجیه نسبت به آن گذشت.

##### عدم شمول نظریه محقق خویی

متعارضین از جهت اطلاق و عموم یا هر دو عام هستند، یا هر دو مطلق و یا اینکه یک عام و یکی مطلق است. متعارضین عامین باشند باشند بحث آن گذشت، محقق خویی در مطلقین نظریه ای دارد که متفرد در آن است و بحث از جایی که یکی از متعارضین عام باشد و دیگری مطلق بعد از چند سطور بحث خواهیم نمود.

محقق خویی بحث از شمول اخبار علاجیه نسبت به مطلقین من وجه را مطرح کرده و بر این باورند که اخبار علاجیه شامل این مورد نیست. ایشان در فقه به این منبای اصولی عمل نکرده اند.

مطلقین من وجه به لحاظ اصطلاح عامین من وجه نیستند هر چند لغة نیز عامین من وجه می باشد.

دلیل محقق خویی این است که اطلاق ها در مجمع به خاطر تعارض شکل نمی گیرد، مثال: خبر «اکرم العالم» با خبر «لاتکرم الفاسق» تعارض دارد و تعارض مانع از انعقاد اطلاق می باشد.

در اطلاق دو مبنا وجود دارد:

1. انعقاد اطلاق به این است که قرینه و آنچه که صلاحیت قرینه شدن دارد در مقام تخاطب نباشد، «اکرم العالم» وقتی مطلق است که مولا همراه آن قرینه و آنچه که صلاحیت قرینه شدن را دارد همراه کلامش ذکر نکند، اگر مولا در جای دیگر به صورت منفصل مقیّد و قرینه ذکر کند این مقید مانع از حجیت اطلاق می باشد نه مانع از انعقاد اطلاق، همانگونه که ذکر مخصص منفصل برای عام مانع از انعقاد عموم نمی باشد. ذکر خصوصیات به گونه منفصل کاشف از آن است که اطلاق مراد جدی اش نبوده است، و مراد استعمالی اش بوده و در مقام بیان بوده است و اطلاق را تفهیم کرده است.
2. انعقاد اطلاق به آن است که ابداً قید بر خلاف نیاید، اگر مولا بفرماید «اعتق رقبة» و در جای دیگر بفرماید «لاتعتق رقبة کافرة» این قید منفصل کاشف است از اینکه مولا از ابتدا در مقام بیان نبوده است و از همان موقع کلام اطلاق نداشته است و ما خیال کردیم که کلام مطلق بوده است.

منبای نخست مبنای محقق خراسانی است و مبنای دوم مبنای شیخ انصاری است.

ادعای شیخ انصاری خیلی دور از ذهن نیست، زیرا فرق مطلق و عام در این است که عمومیت عام بالوضع است و نیازمند به در مقام بیان بودن نیست، به خلاف دلالت مطلق بر اطلاق که نیازمند مقدمات حکمت است، وقتی مولا فرمود «اکرم العالم» و بعد از چند روز گفت «لاتکرم الفساق» عرف میگوید مولا روز اول می خواست اصل وجوب اکرام علما را بگوید اما در مقام بیان خصوصیات نبود چون وقتی خصوصیات را بعدا اضافه می کند معلوم می شود که ابتدا در مقام بیان خصوصیات نبوده است. در دیدگاه شیخ اعظم انصاری ذکر قید و تبصره کاشف از این است که در از اول در مقام بیان خصوصیات نبوده است لذا انعقاد اطلاق موقوف است به اینکه تا ابد قید نیاورد.

در نظر تحقیق نظریه نخست صحیح می باشد و حق با محقق خراسانی است، اطلاق به خاطر مصلحتی از مصالح منعقد است لکن سخن قطعی بر بطلان نظریه شیخ انصاری نداریم.

محقق خویی در فقه به طور طبیعی همانند محقق خراسانی عمل نموده است، و هر جا مطلقی بدون قید وجود داشته باشد فرموده اند اطلاق منعقد است. و همانند ایشان در متعارضین مطلقین من وجه احکام تعارض را بار کرده است و مرجع را اخبار علاجیه می داند اگر مرجحی وجود داشته باشد ترجیح با آن است و الا قائل به تساقط هستند. ایشان در فقه طبق این مبنای اصول مشی نکرده اند جز در اندک مواردی که به مشکل برخوردند.

###### مناقشه: عدم فرق نزد عرف (نظر تحقیق)

در نظر تحقیق عرف بین عامین من وجه و مطلقین من وجه در اینکه هر دو مشمول اخبار علاجیه هستند بعید نیست که فرقی نبیند، همانگونکه عرف «اکرم العلماء» و «لاتکرم الفساق» را متعارض می بیند، همچنین «اکرم العالم» و «لاتکرم الفاسق» متعارض می بیند. مشکلی که در «اکرم العلماء» و «لاتکرم الفساق» همان مشکل در «اکرم العالم» و «لاتکرم الفاسق» نیز وجود دارد.

محقق خویی می فرمایند اطلاق مدلول کلام نیست، اما ابناء عرف اطلاق را مدلول کلام می دانند، مردم میگویند آقا فرمود «اکرم العالم» هر عالمی را گفت اکرام کنید.

شیخ انصاری و محقق خویی در فقه به تأمل اصولی و عقلانی خود عمل نکرده اند، ایشان در فقه اطلاق را مدلول کلام دانسته و آن را طرف تعارض می دانند.

#### عدم شمول اخبار علاجیه به موارد جمع عرفی

[در مباحث گذشته روشن شد که اخبار علاجیه شامل موارد جمع عرفی نمی شود] و اکنون محقق خراسانی به مناسبت وارد فصل جدیدی از بحث شده اند. و آن اینکه چه جمعی جمع عرفی است؟

محقق خراسانی به تبع شیخ انصاری دو مورد از موارد جمع عرفی را مورد بحث قرار داده است و یک مورد دیگر را نیز محقق نائینی مورد بثح قرار داده اند و اکنون در ادامه سه مورد از موارد جمع عرفی مورد بحث قرار می گیرد.

مخفی نماند که گاهی جمع عرفی به خاطر قرائن خاصه و شخصیه جمع عرفی است، و این قرائن دائر مدار فهم مستنبط می باشد، مثلاً در «رأیت اسدا یرمی» شخصی استنباط می کند که «یرمی» قرینه است که اسد به معنای رجل شجاع است، و چه بسا شخص دیگر چنین استنباطی نمی کند. ممکن است چیزی نزد مستنبطی قرینه باشد و نزد مستنبط دیگر قرینه نباشد.

محل بحث در مقام از قرائن عامه است و حال سه قرینه را مورد بررسی قرار می دهیم.

##### جمع بین عام و مطلق

شیخ اعظم انصاری می فرمایند: «اگر دلیل عامی بود که عموم و شمولش بالوضع بود مانند «لاتکرم کل فاسق» و دلیل مطلقی داشتیم که شمولش با اطلاق بود مانند «اکرم العالم» و با هم تعارض کردند اینجا عام اظهر از مطلق است لذا عام بر مطلق مقدم است بنابراین هر جا بین عام و مطلق تعارض وجود داشته باشد عام قرینه بر تقیید مطلق خواهد بود».

شیخ انصاری دو وجه برای تقدم عام بر مطلق ذکر کرده اند.

###### وجه نخست: تقدم منجز بر معلق

عموم عام منجز است و اطلاق مطلق معلق، و خطاب منجز است بر خطاب معلق.

در ناحیه عام هم عمومش و هم ظهورش منجز است، هر عامی که به همراهش قید و مخصص نیاید، ظهورش در عموم تنجیزی است.

در ناحیه اطلاق، ظهور و شمولش معلق است بر اینکه بیان بر خلاف آن نیاید، یکی از مقدمات حکمت نبود بیان بر خلاف می باشد.

و ظهور تنجیزی عام در عموم بیانی است بر خلاف ظهور تعلیقی مطلق. دلیل مطلق میگوید: عالم را اکرام کن اگر دلیل بر خلافی نباشد. و دلیل عام می گوید هر فاسقی را کرام نکن، من بیان بر خلاف هستم.

دلیل منجز همیشه وارد و حاکم بر دلیل معلق می باشد.

مناقشه: منجز بودن ظهور اطلاقی (محقق خراسانی)

ظهور اطلاقی نیز در محل کلام منجز است.

همانطور که ظهور عمومی فقط معلق است که در کلام خاص متصل ذکر نشود همچنین ظهور اطلاقی هم معلق است که در مقام تخاطب مقید متصل به کلام ذکر نشود، و معلق به این نیست که الی الأبد مقید نیاید. در نتیجه همانگونه که ظهور عام در عموم منعقد می شود به صرف اینکه متصلا خاص ذکر نشود همچنین ظهور مطلق در اطلاق منعقد می شود به صرف اینکه متصلا مقید ذکر نشود.

بهتر آن بود که محقق خراسانی اینگونه مناقشه کنند که این وجه مبتنی بر مبنای خود شیخ می باشد.

###### وجه دوم: اغلبیت تقیید از تخصیص

بنای شریعت بر تقیید مطلقات است، و تقیید اغلب از تخصیص است. «اقیموا الصلاة» یک مطلق است و مقیدات زیادی از طهارت و قبله و غیره بر آن وارد شده است، و چون تقیید اغلب از تخصیص است لذا اینجا تقیید اولی از تخصیص و بایست با عام باید «اکرم العالم» را تقیید بزنیم نه بر عکس.

مناقشه: دلیل نبودن اغلبیت (محقق خراسانی)

فرض می کنیم که تخصیص در شریعت غالب بوده و تقیید اغلب است، اما اغلب بودن دلیل نمی شود که اینجا تخصیص مقدم بر تقیید باشد، اگر تقیید غالب بود و در مقابل آن تخصیص نادر بود باز وجهی برای تقدیم تخصیص وجود داشت. در بین تخصیص و نسخ گفته شده است که نسخ نادر است و آنجا تقدم تخصیص وجهی دارد.

لکن تخصیص هم در شریعت زیاد است به نحوی که شاید شده است که «ما من عام الا و قد خص».

مرحوم محقق خراسانی با مناقشه به دو وجه شیخ انصاری در کمال ناباوری در تعارض مطلق و عام، مطلق را بر عام مقدم کرده است.

جواب: وجود وجه سوم برای تقدیم عام (نظر تحقیق)

محقق خراسانی از وجه دیگری که برای تقدیم عام بر مطلق وجود دارد غافل شده اند و در محل تقدیم مطلق را اختیار کرده اند.

خود ایشان در بحث واجب مشروط در ردّ کسانی که گفته اند « در تعارض بدلی و شمولی، شمولی مقدم بر بدلی است» فرموده است: «بین شمولی و بدلی تفاوتی وجود ندارد، بلکه تفاوت بین عام و مطلق است، اگر عام و مطلق متعارضین شدند، عام مقدم بر مطلق است چون دلالت عام بر عموم دلالت وضعی است و دلالت مطلق بر اطلاق دلالت سکوتی است، و دلالت وضعی مقدم است بر سکوتی».

خود ایشان در آن بحث با اینکه فرموده اند عام «گفتار» است و مطلق «سکوت» و گفتار بر سکوت مقدم است، اما در محل بحث از آن وجه غفلت کرده و تقدیم مطلق را اختیار کرده اند.

###### وجه سوم: تقدم دلالت وضعی بر دلالت سکوتی (نظر تحقیق)

اگر مولا بگوید «عالم را اکرام کن» و در جای دیگر بگوید «هیچ فاسقی را اکرام نکن» مردم دلیل دوم را مقدم می دارند، و وجه تقدم روشن است، چون دلالت اطلاق ریشه در سکوت و مقدمات حکمت دارد، فهم شمول حکم بر همه افراد از عدم القید استفاده می شود، و عرف دلیل «هیچ فاسقی را اکرام نکن» را قید حساب می کنند.

براین اساس هر چند اطلاق منعقد شده است اما مردم با وجود عام می گویند آن دلیل عام بیان است بر دلیل مطلق.

ارتکاز شیخ انصاری منبی بر تقدم عام صحیح بوده و خواسته آن را با اصطلحات مبرهن کن لذا به سمت معلق و منجز رفته است. ایشان عام را بیان و مقید می دانند و اطلاق را با وجود مقید منفصل منعقد نمی دانند، لذا توجیه ایشان مبتی است بر مبنای خودشان.

##### جمع بین مطلق شمولی و مطلق بدلی

تا کنون بحث از وجوه تقدیم تقیید بر تخصیص در تعارض عام و مطلق بود، لکن به مناسبت وارد این بحث می شویم که در تعارض مطلق بدلی با شمولی که محقق نائینی مطرح کرده اند آیا تقدم با مطلق شمولی است یا با مطلق بدلی؟